



# انترناسیونال

## ۲۳۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲ فروردین ۱۳۸۷، ۲۱ مارچ ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

## سال ۸۶، سال آزادی، برابری، هویت انسانی

پیام حمید تقوائی بمناسبت فرا رسیدن سال نو  
صفحه ۶



## چهارشنبه سوری:

### نوعی قدرت دو گانه؟!؟

جوانان آریاشهر:

حکومت اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم!

صفحه ۱۰

## کمپین مالی حزب با موفقیت

پایان یافت

صفحه ۹

## جان محمود صالحی در خطر است

نامه شهلا دانشفر و بهرام سروش به  
سازمانهای کارگری در جهان

صفحه ۳



محمود صالحی، زنجیر شده  
به تخت بیمارستان توسط  
پسداران اسلامی سرمایه  
جرم: برپایی مراسم اول مه،  
دفاع از حقوق کارگران!

## باز گشت مارکس و ...

در حاشیه رویدادها کیوان جاوید صفحه ۴

## نمی گذاریم تاریخ را زنده بگور کنید!



سیامک بهاری

هیئت دولت، جمع کشیری از  
اساتید دانشگاهی و موسسات  
عالی آموزشی برای افتتاح پروژه  
ضد کمونیستی که هیئت دولت  
سوئد دوسال است با بودجه  
هنگفت و امکانات کم نظیر  
مشغول تدارک آن است گرد آمدند

صفحه ۷

روز دوشنبه دهم مارس در  
استکهلم پایتخت سوئد، از سوی  
مجمع دولتی "تاریخ زنده"  
نمایشگاهی تحت عنوان "جنایات  
کمونیسم علیه بشریت" با  
تبلیغات وسیع و پوشش رسانه ای  
گسترده و از پیش تدارک دیده شده  
ای آغاز بکار کرد. همه احزاب  
پارلمانی سوئد، شخصیتهای مهم

## اسلامی بودن

### یا سرمایه داری بودن حکومت؟

کدام مورد نقد ما است؟

## حجاب، سلول انفرادی آپارتاید جنسی

از میان سئوالات جلسات هفتگی حمید تقوائی



حمید تقوائی

این مطلب را ناصر احمدی  
پیاده و تایپ کرده است.

جمشید هادیان: من دو سوال دارم. اولیین  
سئوالم مربوط به رابطه اسلامی بودن  
رژیم با سرمایه داری بودن آن است. حزب  
کمونیست کارگری کدامیک از این دو را  
مینا قرار می دهد و به آن می تازد؛  
اسلامی بودن رژیم یا سرمایه داری بودن  
آن را؟ برای روشن تر شدن سئوالم اجازه  
بدهید بعنوان مثال بگویم که نیروهایی که  
ما به آنها چپ سنتی می گوئیم بما می  
گویند که شما بیش از حد به اسلامی  
بودن رژیم می تازید و به سرمایه داری  
بودن آن کاری ندارید. می گویند اسلام،  
بعنوان یک شکل دیکتاتوری، صرفا

روبنای سیاسی نظام سرمایه داری در  
ایران است؛ یعنی اگر بخواهیم از شر این  
دیکتاتوری خلاص شویم در واقع باید از  
شر سرمایه داری خلاص شویم، نه  
برعکس. این ضمنا علاوه بر چپ سنتی  
می تواند سوء تفاهمی در ذهن مردم هم  
باشد، و من اینجا در واقع از جانب مردم  
صفحه ۲

## زنده باد کمونیسم

در حاشیه نمایشگاه ضد کمونیستی استکهلم



حسن صالحی

صفحه ۵

در شهر استکهلم از روز ۱۰ مارس  
نمایشگاهی در جریان است که نام  
"جنایات کمونیسم بر علیه بشریت" بر آن  
گذاشته اند. این نمایشگاه از جانب یک  
سازمان دولتی بنام "مجمع تاریخ زنده"  
دایر شده است که در سال ۱۹۹۸  
ماموریت انتشار کتابی در مورد قتل عام  
یهودیان در طی جنگ دوم جهانی را بر  
عهده گرفت و آن را انتشار داد.  
ظاهرا اینبار برای ایجاد "تعادل" و

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

است که این سوال را مطرح می‌کنم. بنظر شما حزب کمونیست کارگری چگونه می‌تواند بیشترین تعداد مردم را برای سرنگونی این حکومت بسیج کند؛ از کانال کوبیدن روی اسلامی بودن حکومت و یا کوبیدن روی سرمایه داری بودن آن؟ سوال دوم هم که فکر می‌کنم با سوال اول به نحوی مرتبط است اینست که مواضع حزب کمونیست کارگری ایران از اول تا آخر در مورد حجاب چیست؟ منظورم از "از اول تا آخر" اینست که موضع حزب ما از لحاظ نظری، یعنی در تئوری، و از لحاظ عملی، یعنی مبارزه‌ای که همین‌الآن بر علیه حجاب به پیش می‌بریم، و بالاخره زمانی که قدرت را بدست گرفته‌ایم، در مورد حجاب چیست؟

**حمید تقوایی:** در مورد سوال اول باید بگویم که در شرایط امروز جمهوری اسلامی شکل مشخص حکومت سرمایه داری در ایران است. بنا بر این اسلامی بودن حکومت و سرمایه داری بودن آن دو امر جداگانه نیست و کاملاً به هم وابسته‌اند. حکومت اسلامی در ایران حکومت فئودالها نیست، نماینده خانها و ملاکین و حکومت اشراف زمیندار نیست بلکه این حکومت سرمایه داری است که بورژوازی مشخصا در یک بن بست در انقلاب ۵۷ ناگزیر شده است که به آن رضایت دهد. و هنوز هم قادر به تغییر آن نیست. البته از نظر استراتژیک و از نقطه نظر منافع دراز مدت بورژوازی ایران و بورژوازی جهانی جمهوری اسلامی حکومت مطلوبی نیست چرا که تا کنون نتوانسته و نمیتواند یک نظام تولیدی متعارف سرمایه داری را در ایران سازمان بدهد. اما از نظر سیاسی و توانائی سرکوب مبارزات مردم حکومت فعلی تنها آلترناتیو ممکن بورژوازی است. این حکومت بطور دو فاکتو توانسته است با توحش و سرکوبگری فجیعی که به توسل به اسلام سیاسی انجام داده سلطه سیاسی سرمایه داری را حفظ بکند.

این نقش واقعی حکومت اسلامی در ایران است. بنابراین نمیشود اسلامی بودن و یا سرمایه داری بودن این حکومت را بعنوان دو امر مجزا دید و بعد این سؤال را مطرح کرد که کدام مهمتر است. در عمل و در مبارزه روزمره مردم مقابله با حکومت اسلامی، مبارزه

برای جدائی مذهب از دولت و علیه بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی و غیره عین مبارزه با سلطه سرمایه داری است.

شما گفتید که میگویند اسلام رویناست و حزب کمونیست کارگری دارد با روینا می‌جنگد. خوب، به یک معنی ما همیشه داریم با روینا مبارزه میکنیم. مبارزه علیه حکومت سرمایه داری به شکل آستره و انتزاعی، در خلاء و یا در قلمرو اقتصادیات صورت نمیگیرد. بلکه مبارزه‌ای است سیاسی علیه دولت، و مشخصاً علیه مصائب و بیحقوقیها و تبعیضات سرمایه داری که بنا به تعریف اموری روینائی هستند. مبارزه سیاسی همیشه حول مسائل خاص و بقول انگلیسی زبانها حول "ایشیو"های خاص و موضوعهای خاصی قطبی میشود. در ایران دو موضوع ویژه که اهمیت تعیین کننده‌ای در عرصه مبارزه سیاسی دارند یکی مذهب و دخالت مذهب در دولت و در زندگی اجتماعی مردم است و دومی، که البته رابطه نزدیک با مساله اول دارد، بیحقوقی مفرط زنان و آپارتاید جنسی است. این دو مساله پاشنه آشیل حکومت هستند و با مبارزه در این دو عرصه میتوان کل سلطه سرمایه داری را درهم کوبید. اینطور نیست که اگر مردم را علیه جمهوری اسلامی بسیج کنیم و انقلاب کنیم و حکومت را بیاندازیم، سرمایه داری میتواند به سلطه و اقتدار سیاسی خودش ادامه بدهد. نه! این دو یک چیزند و سرنگونی حکومت اسلامی و لغو نظام کارمزدی امروز در ایران مستقیماً بهم گره میخورند.

مبارزه علیه جمهوری اسلامی از موضعی کاملاً آزادیخواهانه و برابری طلبانه که مردم ایران میخواهند و حزب ما هم دارد نمایندگی میکند، برابری کامل زن و مرد، جدایی کامل مذهب آنها نه تنها از دولت بلکه از تمامی شئون اجتماعی و زندگی مردم، آزادی بی قید و شرط سیاسی، لغو مجازات اعدام، دفاع از حقوق کودک، مبارزه برای آزادی زندانی سیاسی و علیه حجاب، اینها همگی در مضمون واقعی خود و بطور عینی جنبشهایی علیه سلطه سرمایه داری هستند. مبارزه طبقاتی در ایران امروز حول این مسائل شکل گرفته و قطبی شده است. امروز در جامعه نیروی چپ و

اعتراض و نقد وضع موجود از یک زاویه انسانی و سوسیالیستی یک گرایش قوی است و این چپ هست که مبارزه مردم علیه مذهب را نمایندگی میکند؛ در مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و در مبارزه برای آزادی و برابری و برای حقوق زن و از جمله در مبارزه علیه استثمار و فقر وسیعی که در جامعه بیداد میکند، ما میبینیم که در همه این عرصه‌ها شعارها و بیانیتهای و خواستهای مردم از یک موضع چپ و انسانی و برابری طلبانه مطرح میشود و این چپ و مشخصاً حزب کمونیسم کارگری است که هر روز بیش از پیش به فضای سیاسی اعتراض و مبارزه در ایران شکل می‌دهد.

مبارزه علیه سرمایه بنظر من از کانال بدست گرفتن رهبری و هژمونی جنبشهای اعتراضی مختلف بوسیله حزب به پیش میرود. حزب کمونیست کارگری میکوشد تا از طریق مبارزات و اعتراضات جاری و هر روزه مردم علیه تبعیضات و بیحقوقی‌ها مبارزه علیه سرمایه داری را سازمان دهد و به پیش برود. و در این راه قدمهای مهمی نیز به جلو برداشته است. امروز چهره جنبشهای اعتراضی در جامعه با آزادی و برابری و سوسیالیسم و سرود انترناسیونال منزلت و معیشت و تاکید بر هویت انسانی مشخص میشود و این هم نشانه تاثیر و نفوذ سیاستها حزب ما است و هم این واقعیت را نشان میدهد که بطور واقعی و در مبارزه عملی، اعتراض علیه جمهوری اسلامی از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست. اگر بربریت سرمایه امروز در ایران خود را به شکل حکومت اسلامی نشان میدهد مبارزه برای سوسیالیسم هم شکلی بجز مبارزه علیه حکومت اسلامی نمیتواند داشته باشد.

## حجاب، سلول انفرادی آپارتاید جنسی

### موضع عملی و نظری حزب، در اپوزیسیون و در قدرت، نسبت به حجاب چیست؟

و اما سوال دوم شما که راجع به حجاب بود. شما خواستید که کل موضع حزب در رابطه با حجاب را توضیح بدهم. اما متأسفانه وقت زیادی به پایان جلسه نمانده و من

ناگزیرم پاسخ کوتاهی بدهم. قبل از هر چیز باید بگویم ما حجاب را یک نوع پوشش نمیدانیم و مسئله مبارزه علیه حجاب ربطی به آزادی پوشش ندارد. مبارزه علیه حجاب مبارزه علیه بی حقوقی زن است. مبارزه علیه توهین و تحقیر زن است. حجاب پوشش نیست بلکه زنجیری است که بدست و پای زن پیچیده است و نشانه و مظهر بردگی جنسی و آپارتاید جنسی است. بطور کلی این حق زن است که موهایش را بپوشاند و یا نپوشاند اما در جمهوری اسلامی و کلا در جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی مساله به سلب این حق ابتدائی ختم نمیشود. حجاب یک پرچم جنبش اسلام سیاسی و در ایران نشانه اختناق و بیحقوقی‌ای است که حکومت اسلامی بر کل جامعه تحمیل کرده است.

نگاه اسلام سیاسی بر زن نگاه به کالا است، یک کالای جنسی که باید در بسته بندی حجاب از چشم نامحرم، یعنی مردی که مالک شرعی این کالا نیست، مصون داشته شود؛ این نه تنها یک بیحقوقی و یا تبعیض بلکه توهین و بی حرمتی آشکار به هویت انسانی زن است. حجاب بنیان آپارتاید جنسی است و بنظر میتوان حجاب را سلول انفرادی آپارتاید جنسی نامید.

زنان و کلا مردم ایران هیچگاه به حجاب تمکین نکردند و آنرا نپذیرفتند. از همان بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی مساله حجاب یک مساله سیاسی مهم در کشمکش بین جامعه و حکومت بوده است. امروز حجاب به یک بارومتر سیاسی تبدیل شده که درجه ضعف و قوت حکومت را نشان میدهد. و اینکه روستی زنان پنج سانتی متر بالاتر باشد یا پایین تر برود نشاندهنده درجه سلطه حکومت بر جامعه است. خود حکومت هم اینرا میدانند و مردم و زنان "بد حجاب" هم بخوبی این را میدانند و به همین دلیل هم بدحجابی میکنند!

مبارزه علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی یک مبارزه سیاسی علیه حکومت است که همانطور که در پاسخ به سؤال اول توضیح دادم یک عرصه مهم و تعیین کننده در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن جامعه به آزادی و برابری است.

و اما اینکه آیا فردا پس از بقدرت رسیدن ما هم حجاب ممنوع خواهد بود، باید بین حجاب بعنوان

یک امر فردی و یک امر دولتی و اجتماعی تفکیک قائل بشویم. در شرایطی که حکومت اسلامی بقدرت انقلابی مردم سرنگون شده باشد طبعاً دخالت مذهب در دولت و در زندگی اجتماعی جارو شده است. در جمهوری سوسیالیستی مذهب یک امر خصوصی خواهد بود که باید از قوانین و دولت و آموزش و پرورش و هم چنین فعالیتهای ورزشی و اجتماعی کاملاً جدا باشد. به این دلیل در موسسات و نهادهای دولتی و مدارس و فعالیتهای ورزشی و اجتماعی مذهب و مظاهر مذهبی نباید حضور داشته باشد و در نتیجه حجاب بعنوان یکی از مظاهر مذهبی در ادارات و مدارس و فعالیتهای ورزشی و اجتماعی ممنوع خواهد بود. اما بعنوان یک امر و پوشش شخصی حجاب آزاد است. حجاب در جامعه‌ای که

مذهب را از حیظه فعالیتها دولتی و اجتماعی عقب رانده است یک امر آزاد شخصی خواهد بود که میتواند آزادانه از جانب هر افراد انتخاب بشود و یا نشود. وقتی این معنای سیاسی بردگی جنسی را از حجاب بگیریم معنی مذهبی آنرا نقد کنیم و کنار بزنیم آنوقت حجاب به یک پوشش اختیاری تبدیل خواهد شد. البته بحث من اینجا مربوط آزادی حجاب از نظر حقوقی و قانونی است. طبعاً نقد حجاب تا آنجا و تا زمانی که مذهب و کلا فرهنگ ناموس پرستانه مردانه را منعکس میکنند باید همیشه در حیظه فکری و فرهنگی مورد نقد و افشاگری قرار بگیرد.

این را هم باید تاکید کنم که حجاب کودک در هر شرایطی باید قانوناً ممنوع باشد. بخاطر اینکه حجاب عملاً این اجازه را نمیدهد که دختر بچه یک زندگی شاد داشته باشد و بتواند آزادانه با پسر بچه‌ها بازی و جست و خیز کند، شنا کند و یا در بسیاری از ورزشها شرکت کند. در جمهوری سوسیالیستی نه تنها حجاب کودکان بلکه هرگونه اعمال نفوذ مذهبی در زندگی کودکان ممنوع است. کودک مذهب ندارد و زمانی که بسن قانونی رسید آنوقت خودش انتخاب میکند که چه برخوردی با مذهب و مشخصاً با حجاب داشته باشد اما تا قبل از آن جامعه و دولت مسئول است که اجازه ندهد که خرافات مذهبی و امری مثل حجاب بطور کلی زندگی شاد و خلاق را از کودک بگیرد و آزادی او را محدود کند. \*

## کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در آوریل ۲۰۰۸ برگزار میشود کنفرانس علنی است، ورود برای عموم آزاد است

کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در ماه آوریل بطور علنی برگزار میشود. علاوه بر نمایندگان، اعضای از رهبری حزب نیز در کنفرانس شرکت خواهند کرد.

علاقتمندان میتوانند از طریق تماس با آدرس های زیر برای شرکت در کنفرانس ثبت نام نمایند.

آخرین مهلت ثبت نام ۲۵ مارس میباشد.

ایمیل و تلفن تماس:  
siabahari@yahoo.com  
۰۰۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## جان محمود صالحی در خطر است به تمامی سازمانهای کارگری در سراسر جهان

اطلاع دارید که محمود صالحی از چهره های سرشناس کارگری در ایران از ۹ آپریل ۲۰۰۷ به جرم بریایی مراسم اول مه در سقز و دفاع از حقوق کارگران در زندان است. وضع جسمی محمود صالحی وخیم است و خطر جانی او را تهدید میکند. طبق آخرین گزارشات علیرغم اینکه در ۲۳ آپریل ( ۴ فروردین) یکسال محکومیت او به اتمام میرسد، اما بازپرسی شعبه ۴ دادگستری شهر سنندج در تاریخ ۱۷ مارس محمود صالحی را احضار کرده و این بار به جرم ارتباط با خارج از زندان و انتشار پیام های حمایت از مبارزات کارگران و دانشجویان، برای او قرار بازداشت موقت صادر کرده است. تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر نگاهداشتن محمود صالحی در زندان، بویژه تحت شرایطی که او در وضعیت وخیم جسمی بسر میبرد، یک تصمیم جنایتکارانه است. در اعتراض به این حکم محمود صالحی تهدید به اعتصاب غذای خشک کرده است. با این تصمیم هم اکنون خطر جانی بیش از پیش محمود صالحی

را تهدید میکند.

نه بریایی مراسم اول مه جرم است و نه دادن پیام همبستگی با مبارزات برحق کارگران و دانشجویان از زندان که بعنوان جرم برای محمود صالحی تعیین مجازات شده است. محمود صالحی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد و تحت درمان و مراقبت لازم قرار گیرد.

برای نجات جان محمود صالحی به یک اقدام جهانی و اضطراری نیاز است. این تنها راهی است که میتوان جمهوری اسلامی را برای آزادی محمود صالحی تحت فشار فوری و قدرتمند گذاشت تا او هم مجبور به ادامه اعتصاب غذا و به خطر انداختن جان خود نشود.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری از همه سازمانها و نهادهای کارگری در سراسر جهان انتظار اقدامی عاجل و فوری دارد.

شهبلا دانشفر هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری WPI بهرام سروش مسئول روابط عمومی ۱۸ مارس ۲۰۰۸

## جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود! به تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

سال های گذشته مدام شدت گرفته و پذیرش این حکومت در نهادهای مانند آی ال او را بیش از پیش غیر قابل دفاع کرده است.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری ضمن قدردانی صمیمانه از اقدامات تا کنونی سازمانهای کارگری در حمایت از کارگران ایران، بر این اعتقاد است که یک گام اساسی در حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران، طرد و انزوی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و اخراج آن و همینطور ارکان دولتی خانه کارگر از سازمان جهانی کار است. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از سازمانهای کارگری در سراسر جهان انتظار دارد که از نفوذ خود برای بیرون کردن هیئت جمهوری اسلامی از آی ال او استفاده کنند.

شهبلا دانشفر هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری WPI بهرام سروش مسئول روابط عمومی ۱۸ مارس ۲۰۰۸

حقوق کارگران فراهم میکند. اما نادرستی این روش امروز بر هیچکس پوشیده نیست. جمهوری اسلامی همچنان فعالین کارگری را دستگیر و زندانی میکند، حق اعتصاب و تشکل و قرارداد دسته جمعی و هیچ حق دیگری را برسمیت شناخته و حتی شلاق زدن به کارگران را نیز به روشهای سرکوب کارگران افزوده است. کارگران ایران حق دارند سازمان جهانی کار را بر دلیل برسمیت شناسی هیئت جمهوری اسلامی محکوم کنند و آنرا مانعی بر سر راه مبارزه خود بدانند و خواهان انزوی هرچه بیشتر آن شوند.

تنها در طول سال گذشته صدها اتحادیه کارگری در سراسر جهان خواهان آزادی دو نفر از رهبران کارگری، منصور اسانلو و محمود صالحی، و نیز برسمیت شناختن حقوق پایه ای کارگران در ایران شده اند اما جمهوری اسلامی به همه اینها دهن کجی کرده است. بعلاوه طبق تمام گزارشات نهادهای بین المللی، جنایات این حکومت علیه بخش های مختلف مردم در طول

نود و هفتمین کنفرانس سازمان جهانی کار "آی ال او" که بزودی در فاصله ۲۸ مه تا ۱۳ ژوئن برگزار میشود، هر ساله میزبان هیات اعزامی جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه خود میباشد و علاوه بر جمهوری اسلامی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی نیز که رسماً ارگانهای دست ساز حکومت علیه کارگران هستند، به عنوان "تشکل های کارگری از ایران" در اجلاس سالانه آی ال او به رسمیت شناخته میشوند.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری به شرکت هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار شدیداً معترض است و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی است.

متأسفانه اینطور استدلال شده است که حضور جمهوری اسلامی و خانه کارگر آن در اجلاس های سالانه آی ال او، راه را بر دیالوگ و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای برسمیت شناختن و رعایت حداقل

## دانشجویان دانشگاه دارمشتات آلمان خواهان آزادی دانشجویان زندانی در ایران شدند

همچنین خواستار اتخاذ تدابیر مقتضی در جهت تادیب یا پیگرد قانونی مسئولین در تمامی سطوح وزارت اطلاعات ایران هستیم که مسئول بدرقتاری با زندانیان در بند ۲۰۹ زندان اوین می باشند.

حزب کمونیست کارگری کمپین مبارزه برای آزادی دانشجویان دریند و کلیه زندانیان سیاسی را ادامه میدهد و از سایر سازمانهای دانشجویی و کارگری و همه نهادها و انسانهای شریف و آزاده خواهان پیوستن به این کمپین هست.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان ۱۷ مارس ۲۰۰۸

سیاسی محکوم کرد. در این نامه آمده است: "ما حبس افراد بدلیل فعالیت سیاسی رابعنوان نقض جدی حقوق بشر محکوم می کنیم، و به سادگی از آن نمی گذریم. گزارشات رسیده حاکی از آنست که بازداشت افراد و بدرقتاری با آنان، منجمله بازداشت های مشخص مورد اشاره در بالا، در ایران با انگیزه سیاسی صورت می گیرد. در پرتو این گزارشات، ما آزادی همه کسانی که در حال حاضر از آزادی بعمل درآوردن مسالمت آمیز حق آزادی بیان، اجتماع و انجمن خود محروم شده اند را خواستاریم. ما

در ادامه فعالیتهای تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری در دفاع از مبارزات دانشجویان و برای آزادی فوری دانشجویان دستگیر شده در ایران و تماس نوید محمدي کادر حزب با نمایندگان شورای دانشجویان دانشگاه علوم دارمشتات آلمان که ۹۰۰۰ دانشجویان این دانشگاه، طی نامه ای خطاب به سران رژیم خواهان آزادی دانشجویان زندانی شد و ضمن دفاع از آزادی بیان و عقیده و اجتماع، جمهوری اسلامی را بخاطر بازداشت افراد به دلایل

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## در حاشیه رویدادها

کیوان جاوید



### سال ۸۶، سال قدرت نمایی سوسیالیسم

امروز دومین روز از سال نو شمسی است. در ایران، همه از حاکم و محکم از اپوزیسیون تا پوزیسیون از کوچک تا بزرگ این روز را جشن می گیرند و تبریک می گویند. این یک روز "ملی" است. آرزوها اما متفاوت است. سالی که پشت سر گذاشته شد برای همه یکجور نبوده است. میلیونها نفر بر ابعاد فقر شان افزوده شد. نگرانی های بسیاری از آینده ای که در انتظارشان است بیشتر شد. کودکانی نشکفته پر پر شدند. زنان در ابعاد عظیم اسیر آپارتاید جنسی اند. جنبشهای متفاوت اجتماعی آینده متفاوتی را جلوی این مردم گرفته اند. سالی که گذشت همچنین سال پایمال شدن خوابی بود که رژیم اسلامی برای مردم دیده بود. سالی که قرار بود مردم مرعوب سرکویگری های این رژیم شوند. سالی که مردم در کنج خلوت خود از اقتدار این حکومت بر خود بلرزند. اما اینها بحکم مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی نگرفت. سال گذشته سال امید نیز بود. سال مردم آریاشهر که گفتند حکومت اسلامی نمی خواهیم و سال مبارزه کارگران و زنان. سال کور شدن تام و تمام افق های ناسیونالیستی و امید بستن جریانات قوم پرست به حمله نظامی آمریکا به ایران بود. سال قدرت نمایی سوسیالیسم در ابعاد وسیع اجتماعی و دست بالا پیدا کردن افق و آرمان چپ بر مبارزات جاری در ایران.



آیا می شود امسال را با روشن بینی و درایت به سال اتحاد سراسری مردم ایران برای سرنگونی این حکومت تبدیل کرد؟ آیا حزب کمونیست کارگری که همه آرمانش لغو برده داری اسلامی در ایران و رها کردن جامعه از شر نظام ضد انسانی سرمایه داری است، می تواند به امید اول مردم برای تحقق این امر عاجل تبدیل شود؟ باید برای تحقق این آرمان صد چندان مهیا بود. این کار ما است.

آیا می شود امسال را با روشن بینی و درایت به سال اتحاد سراسری مردم ایران برای سرنگونی این حکومت تبدیل کرد؟ آیا حزب کمونیست کارگری که همه آرمانش لغو برده داری اسلامی در ایران و رها کردن جامعه از شر نظام ضد انسانی سرمایه داری است، می تواند به امید اول مردم برای تحقق این امر عاجل تبدیل شود؟ باید برای تحقق این آرمان صد چندان مهیا بود. این کار ما است.

### باز گشت مارکس

۱۲۵ سال پیش مارکس درگذشت و انگلس ۳ روز بعد از مرگ او در گورستان هایگیت گفت: "همانطور که داروین به قانون تکامل جهان ارگانیک و موجودات زنده پیبرد،

به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش و اعلام کرد فقط طبقه ای می تواند این جهان وارانه را از قاتده اش بر جا بگذارد که چیزی جز زنجیرهای خود را ندارد که از دست بدهد. برای رسیدن به این جامعه انسانهای آزاد و برابر اما تفسیر جهان کفاف نمی کند. کار مارکس تغییر جهان بود و برای تغییر جهان نخست باید قدرت سیاسی را بچنگ آورد و ماشین دولتی به ارث رسیده از مناسبات نابرابر مبتنی بر کار مزدی را در هم شکست و نابود کرد. راز وحشت آن خیل شاهان و ملکه ها و وزیران و همه دولتها از مارکس در اینجا نهفته است.

قرن بیستم به یم پیروزی انقلاب اکتبر به قرن حضور جهانی مارکس بدل شد. بعد از شکست انقلاب اکتبر همه زشتی های سرمایه داری دولتی در بلوک شرق را به پای مارکس نوشتند تا آن آرمان خواهی و انساندوستی عظیم مارکس را تیره و تار کنند و بخاک بمالند. شکست بلوک شرق اوج نعره های ضد کمونیستی توسط همه دول سرمایه داری در غرب و همه ایدئولوژیهای ریز و درشت طبقات حاکم بود. و منصور حکمت در باره این دوره می گوید: "در این دوره شاهد پرتاب شدن عده زیادی، عده بیشمار، از انسانهای بودیم که در دوره قبل خود را مترقی، آزادیخواه، مساوات طلب، مثبت و مشر شمر تعریف میکردند. ما شاهد قربانی شدن اینها بودیم. شاهد بودیم که عده زیادی به این نتیجه رسیدند که هیچ چیز فایده ندارد، حتی دنبال دیگران دم گرفتند که این "پایان تاریخ" است، جهان همین هست و دیگر همین میماند. فرمولبندیهای متنوعی را به اینک دنیا همین است و باید با آن کنار آمد، از همه منافذ جامعه از عالم هنر تا سیاست و تئوری ایدئولوژی بر کرد. نتیجه ظاهرا انکار ناپذیری که گرفته شد و حکمی که بعنوان ایده پیروز اعلام شد این بود که این جامعه سرمایه داری است که پیروز شده است، این سهم بشر است، این دموکراسی است (همین که میبینید و نه ایده های قرن نوزدهمی)، این وضع کار و معیشت است، این ظاهر و باطن جهان است و آدمها باید با آن کنار بیایند." \*

اما اندیشه مارکس زنده ماند و امروز دارد دست به تعرض می زند. زنده ماند چون مردم قصد خودکشی

دستجمعی ندارند و نمی خواهند حرمت انسانی شان لگدمال شود. مارکس تجلی انسان رها و آزاد شده از خود بیگانگی است که جامعه معاصر، جامعه سرمایه داری در اشکال پیچیده ای اسیرش کرده است. مارکس سمبل رفاه و مدنیت و خوشبختی انسان است. مارکس زنده است چون انسان اسیر فقر و گرسنگی و نابرابری است. مارکس زنده است برای اینکه با هر درجه پیشرفت و انقلاب در امر تولید، طبقه ای مرفه تر و فریه تر می شود و جهانی با گرسنگی و جنگ و کشتار و استثمار دست و پنجه نرم می کند.

مارکس با اقتدار به صحنه جدال طبقاتی برگشته است. دنیا در برابر چشمان ناباور خود دیده است که وقتی مارکس را انکار کردند جنگ های قومی و کشتارهای میلیونی را به جلوی صحنه آوردند. مشاهده شد که هر چه بیشتر تولید شد و هر چه ابزار تولید پیشرفت کرد بر تعداد گرسنگان و بیکاران افزوده شد. جامعه دید که دردش از نبود دموکراسی نیست، که دموکراسی در ۲۰۰ کشور جهان برقرار شده است. جامعه دید که برای حرمت داشتن باید بجنگد و پیروز شود. برای پیروزی اما باید حزب داشت، باید متشکل شد و باید پرچم مارکس را بدست گرفت. زنده باد مارکس زنده باد زندگی.

\* سخنرانی فردریش انگلس در کنار گور مارکس گورستان هایگیت، لندن. ۱۷ مارس ۱۸۸۳  
<http://marxengels.public-archive.net/>

\*\* در پایان یک دوره سخنرانی منصور حکمت در کنگره اول حزب کمونیست کارگری ایران  
<http://hekmat.public-archive.net/>

### ترکیه، جدال سکولاریسم و اسلام سیاسی

برای توریست ایرانی که اول بار پا به ترکیه می گذارد اولین مشاهده لذت بخش است. زنانی که می توانند بی حجاب آزادانه در خیابانها حضور داشته باشند، دختران و پسرانی که بی ترس از دخالت پلیس دست در دست هم در خیابانها حضور دارند. دیسکو ها، مشروب فروشی ها و کنسرت های موسیقی بی وقفه پذیرای مهمانان هستند. این

مشاهدات برای ایرانیان موقتا آزاد شده از دست حکومت اسلامی در ایران جذاب و فرحبخش است. اما این یک روی واقعیت زندگی سکولار در ترکیه است. اسلامی ها سخت در تلاش اند که ورق را به زیان سکولاریسم در ترکیه برگردانند. وقتی توریست ایرانی ما به اندازه کافی با چشمان گرسنه از تماشای این سوی سکه فارق شد آنگاه گوش ها و چشم ها باز می شود و می تواند خیل مساجدی را مشاهده کند که از کله سحر تا بوق شب صدای آشنا و چندش آور اذان را به هر سو پرتاب می کنند. می تواند زنانی را مشاهده کند که اسیر حجاب اند. جدال بین سکولاریسم، تاریک اندیشی و ارتجاع بی وقفه در جریان است. و از همین رو است که اوضاع ترکیه برای همه ما ایرانیان می تواند مهم و قابل تعقیب باشد. کسانی که ۳۰ سال تجربه یک حکومت اسلامی را پشت سر دارند قدرت گیری یا هر تحرك اسلامی ها در هر گوشه جهان بر آشفته شان می کند.

### کدام راه حل؟

ژنرال های چکمه پوش طرفدار قانون اساسی؟ "عادی ترین مردم عادی" که از حضور مذهب در زندگی خصوصی خود بیم دارند و نمونه حضور اسلام در ایران به اندازه کافی برایشان ترسناک است که حکومت اسلامی در ترکیه نخواهند؟ و بالاخره اسلام سیاسی که با پشتوانه ای از انزجار عمومی ناشی از فقر و بن بست شدید اقتصادی که احزاب پان ترکیسم به جامعه تحمیل کرده اند و با برخورداری از حمایت های منطقه ای، در جدالی به وسعت ترکیه به میدان آمده است؟ از این سه نیرو که در مقابل هم ایستاده اند کدامیک راه حل است؟

هفته گذشته، عبدالرحمن یالچین قایا، دادستان کل ترکیه با تسلیم شکوایتی ای به دادگاه قانون اساسی این کشور خواهان انحلال حزب حاکم عدالت و توسعه و محرومیت رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه از فعالیت سیاسی شد. دادستان کل ترکیه در این شکوایتی حزب عدالت و توسعه را متهم کرد که اصل جدایی دین از سیاست را که از ارکان قانون اساسی ترکیه به شمار می رود به خطر انداخته و از این رو، خواهان انحلال این حزب و محروم شدن



## از صفحه ۱ زنده باد کمونیسم ...

"بالاس" و در همانحال برای آنکه عامدانه و وقیحانه کمونیسم و فاشیسم در کنار هم قرار داده شوند، نوبت را به افشاگری علیه جنایت "کمونیستها" داده اند. خانم "لنا آدلسون لیلیه روس" وزیر فرهنگ سوئد چنان از "افشاگری علیه کمونیسم" به وجد آمده که خواستار دائمی شدن این نمایشگاه شده است.

اما نمایشگاه استکهلم در مضمون و محتوای خود چیز تازه ای ندارد. پیامش همان لجن پراکنی های جنگ سردی علیه کمونیسم است. جنایات بخشی از بورژوازی جهانی را که تحت نام کمونیسم حکومت کرده و می کند به رخ می کشند تا کمونیسم را بدنام کنند و نسبت به آن در بین مردم بدبینی ایجاد نمایند. (معلوم نیست که با همین استدلال چرا قساوت و جنایت پیشگی شاهان سوئد در طول تاریخ حتی باعث نشده که حداقل حکومت پادشاهی در سوئد ور بیافتد!! بقیه اش پیشکش!!)

کمونیستها، مارکس و کمونیسم در بین جوانان و مردم از محبوبیت برخوردار است. بعنوان مثال در کشور آلمان بمناسبت ۲۵مین سالمرگ کارل مارکس بسیاری از روزنامه ها از مطرح بودن ایده های وی نوشتند و اعلام کردند که نظرات مارکس همچنان زنده است. در همه پرسشی های متعددی مارکس به عنوان محبوبترین شخصیت هزاره دوم برگزیده شد و کتاب "مانیفست کمونیست" و "کاپیتال" در زمره کتابهای پر فروش دنیا هستند. در مدارس و دانشگاههای آلمان بسیاری از محصلین و دانشجویان با ابراز سمپاتی موضوع انشا خود را مارکس و دیدگاههای او انتخاب می کنند. اکنون بر خلاف دوره قبل که فریادهای "کمونیسم مرد" گوش ها را کر می کرد، صحبت بر سر این است که چگونه جلوی رواج کمونیسم و جذابیت ایده های رهائبخش مارکس و کمونیسم را بگیرند. این انگیزه اصلی برگزاری نمایشگاه استکهلم را نشان می دهد.

از مدتها پیش موج برگشتی آغاز شده است. آن فضای بشدت مسموم و گمراه کننده دوره سقوط بلو که شرق جای خود را به روندهای تازه تری داده اند. در گوشه و کنار دنیا

جنبش های اجتماعی بر علیه کاپیتالیسم گسترش یافته است. مردم در ابعاد میلیونی در خیابانهای اروپا و آمریکا به خیابان می آیند و میلیتاریسم آمریکا و متحدین غربی اش را محکوم می کنند. در کنار گوش دولت آمریکا يك سری دولتها بر سر کار آمده اند که ادعای دست چپی بودن دارند. دخالت مذهب در زندگی مردم و شئون اجتماعی از سوی جبهه سکولاریستها و کمونیستها که سر سازشی با هیچ مذهبی ندارند به چالش کشیده شده است. سکون، یاس و تسلیم جای خود را به امید بیشتر و دخالت فزونی در تعیین سرنوشت خود داده است. و هر جا جنبش های اجتماعی بدنبال راه حلی برای تغییر او ضاع می گردند، ایده های رهائبخش کمونیسم و مارکس را جذاب می یابند. در کشوری مثل ایران يك جنبش سوسیالیستی در حال گسترش است که شعارش "سوسیالیسم یا بربریت" است. و "شبح" لنین بر فراز دانشگاههایش در گشت و گذار است!

همه اینهاست که باعث می شود بورژوازی اینجا و آنجا بار دیگر به تبلیغات جنگ سردی و زنگ زده خود علیه کمونیسم متوسل شود. ولی این، کمکی به

حال و روز آنها نمی کند. کمونیسم يك جنبش اجتماعی است و تا زمانی که ستم و استثمار سرمایه داری وجود دارد بعنوان منقد این نظام غیر عادلانه و برای واژگونی آن عرض اندام خواهد کرد. این جنبش را حکومتهای دیکتاتور- نظامی و اختناق و سرکوب سیاسی نتوانسته اند به خانه بفرستند و بطور قطع با برگزاری يك نمایشگاه نیز از صحنه بدر نخواهد رفت. کمونیسم يك نیاز جامعه است و جامعه آن را طلب می کند. این جنبشی است که می خواهد پایانی بگذارد بر اسارت انسان و اختیار انسان را به خود او بازگرداند.

جنبش کمونیسم کارگری هیچگاه خود را بدهکار جنبش های دیگر ندانسته که به اسم کمونیسم در واقع نوع دیگری از سرمایه داری را نمایندگی کرده اند بلکه همیشه منقد چنین جنبش هایی بوده است. اما درجه بالایی از شارلاتانیسم لازم است که مثلاً جنایات پول پوت و خرهای سرخ را به حساب کمونیسم گذاشت. این همان جنبشی است که پس از ساقط شدن حکومتشان توسط ویتنام و پس از آن همه جنایاتی که انجام داده بودند از جمله از جانب آمریکا و تایلند در قالب يك جنبش چریکی مورد حمایت قرار گرفتند. وقاحت زیادی می خواهد که مثلاً

مرگ و میر میلیونها نفر از روستائیان در اوکراین و نواحی جنوب غربی روسیه در اثر قحطی را به اسم کمونیسم گذاشت. راستش اگر کسی واقعا دلش برای بشر سوخته باشد می تواند صدها نمایشگاه در توصیف جنایت علیه بشریت برپا کند. و آنوقت می توان شمار زیادی رئیس جمهور و نخست وزیر کشورهای غرب و هزاران بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی و دست نشانده در اینجا و آنجا دنیا بعنوان مسئولین مستقیم این جنایات معرفی کرد. بین پول پوت و بوش پدر و پسر که در فاصله کوتاهی دو جامعه بزرگ انسانی با میلیونها سکنه - افغانستان و عراق - را با جنگ طلبی شان به تباهی کشاندند تفاوت عمده ای وجود ندارد. پرونده جنایات دولت آمریکا و سایر دول غربی آنقدر قطور و سنگین است که با بزک "انسان دوستی" و از طریق حمله به رقیب نمی توان آنرا پوشاند. کمونیسم کارگری وظیفه دارد تا همه این حقایق را در قالب نوشته و ارزیابی، فیلم و نمایشگاه و کتاب به همگان بگوید و به این ترتیب تبلیغات دروغین بورژوازی علیه کمونیسم را خنثی کند.\*

## نمونه ای از انسان ستیزی و بربریت حکومت اسلامی مکره ابراهیمی در یک قدمی آزادی!

در مورد او که در چند قدمی آزادی است، باید بسیار بیش از اینها نوشت. سرگذشت او را باید نوشت و یا اکران کرد و بر پرده سینما ها آورد، تا بشریت به حال مردمی بگیرد که زیر چکمه های يك حکومت ضد انسان حقوق و حرمت انسانی اشان لگدمال میشود.

مکره ابراهیمی ۴۳ سال دارد. ۱۱ سال است که در زندان چوبیندر در قزوین زندانی است و ۱۱ سال است که شبانه روز با کابوس سنگسار بسر میبرد.

مکره که از همسر اول خود جدا شده بود و چندین سال با جعفر کیانی زندگی میکرده و با جعفر کیانی صاحب دو فرزند شده است، به یکباره دستگیر و به همراه همسرش روانه زندان میشود.

حکومت اسلامی با اعلام اینکه

مکره از همسر قبلی اش رسماً طلاق نگرفته، زندگی مشترک او با جعفر را غیر اسلامی و غیر قانونی تلقی کرده و هر دو را دستگیر میکنند. فرزند کوچک مکره علی نیز با مادرش در زندان بوده است و این روزها برای آزاد شدن لحظه شماری میکند.

جعفر کیانی هشت ماه قبل در تاجیکستان سنگسار شد. مکره در زندان این خبر را شنید و هر لحظه نیز با این کابوس وحشتناک زندگی کرد که ممکن است این حکومت جنایت و توحش اسلامی او را نیز در مقابل چشم فرزندانش تکه تکه کند، برای اینکه از نظر این حکومت ازدواج و رابطه مکره و جعفر کیانی طبق مقررات اسلامی نبوده است!!! اجرای این حکم وحشیانه با موجی از اعتراض در ایران و در دنیا مواجه

شد. جمهوری اسلامی ایران بعنوان حکومتی که بیشترین احکام سنگسار را در دنیا اعلام و اجرا کرده است، همواره در دنیا با اعتراضات بسیاری مواجه بوده است.

در سال ۲۰۰۳ حکومت اسلامی زیر فشار اعتراضات و نفرت جهانی از اجرای احکام وحشیانه سنگسار، مجبور شد اعلام کند که احکام جدید سنگسار، اعلام نمیکند و احکام قبلی را نیز اجرا نمیکند. اما حکومتی که با اعدام و سنگسار سر پا مانده است، همواره سعی کرده است که در سالهای گذشته اجرای احکام سنگسار را از سر بگیرد.

این بار که حکم سنگسار مکره ابراهیمی لغو میشود، کماکان موضوع از سوی حکومت اسلامی چنین اعلام شده است که رییس قوه قضاییه حکومت این زن را "عفو"

کرده است. و برخی از فعالین مبارزه علیه سنگسار از فتوای سه آخوند در کمک به لغو این حکم دمنشانه حرف زده اند.

مکره را تنها و تنها يك جنبش ابراز نفرت و ازجار علیه سنگسار در ایران و در دنیا نجات داد. سالهای سال است که مبارزه علیه سنگسار در ایران و در جهان وجود دارد و حکومت اسلامی بارها و بارها مجبور شده است در مقابل این مبارزات زانو بزند. و هر بار هم که زانو زده است، از زبان رهبر دستگاه جنایت اسلامی شاهرودی اعلام کرده است که این فرد "عفو" میشود!!

کمیته بین المللی علیه سنگسار لغو حکم سنگسار مکره را يك پیروزی برای مردم مترقی و منجر از سنگسار تلقی کرده و در عین حال اعلام میکنند که علیه سران

حکومتی که يك زن را بجرم واهی "زنای محصنه" دستگیر و همسر و پدر فرزندان را سنگسار کرده است، باید بجرم جنایت علیه بشریت کیفر خواستی صادر کرد. در مورد همین يك پرونده در يك دادگاه بین المللی، علنی و منصف باید صحبت کرد تا همگان بدانند در ایران چه جانورانی حکومت میکنند و چه جنایاتی را مرتکب میشوند.

ما به همه مردم در ایران و در دنیا که علیه سنگسار و برای نجات جان مکره مبارزه کرده اند، درود می فرستیم و اعلام میکنیم که برای لغو قانون وحشیانه سنگسار در همه جا مبارزه میکنیم.

لغو قانون قرون وسطایی سنگسار در ایران در دنیا میسر است، اگر همه ما متحدانه اعتراض کنیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

# سال ۸۶، سال آزادی، برابری، هویت انسانی پیام حمید تقوایی بمناسبت فرا رسیدن سال نو

## سال نو مبارک!

وقتی میخواهی برای کارت تبریک  
یک متنی بنویسی کلی بالا و پایین  
ولی کلی در اینترنت گشتم و این  
کارت را پیدا کردم. یک طرح



میکنی که قشنگ ترین جمله دنیا  
که تا حالا به ذهن هیچ کس نرسیده  
بنویسی! و من نیز فکر میکنم  
قشنگ ترین جمله همان است که هر  
سال تکرار میکنم: به امید پیروزی و  
دیدار رفقا در میدان آزادی. قشنگ  
نیست؟ هر چند جمله تکراری است

باز هم سال  
نوتان مبارک باشد  
یاشار سهندی

برایتان سالی مملو از شادی و  
پیشروی و پیروزی را آرزومندم.

حمید تقوایی  
دبیر کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ اسفند ۱۳۸۶

سوسیالیستی به وضعیت موجود  
روی می آورد. نیروهای اپوزیسیون  
راست، نیروهائی که مردم را از  
انقلاب بر حذر میدارند، نیروهائی که  
به دولت آمریکا و دیگر دولت‌های  
غربی دخیل بسته اند، و یا به بهانه  
خطر حمله آمریکا بیرق حمایت  
مشروط و غیر مشروط از حکومت  
اسلامی را بلند کرده اند، در آینده  
جامعه جایی ندارند. شعار "آزادی،  
برابری، هویت انسانی" و "جمهوری  
اسلامی نمیخواهیم" و "سوسیالیسم  
یا بربریت" پاسخ جامعه به این نیروها  
نیز هست.

آنچه امروز به مضمون و جهت  
جنبشهای اعتراضی در ایران شکل  
میدهد افق سوسیالیسم و نقد و  
اعتراض انسانی و آزادیخواهانه و  
برابری طلبانه سوسیالیستی به کل  
وضع موجود است. حکومت اسلامی

در مقابل این جنبش و در هراس از  
این جنبش است که با تمام ظرفیت  
جهنی سرکوب خود بمیدان آمده  
است. این در نهایت نبردی است میان  
جبهه انسانیت و سوسیالیسم، یعنی  
برنامه و آلت‌رناتیوی که حزب  
کمونیست کارگری در برابر جامعه  
قرار میدهد، با نظام اختناق و  
سرکوب و فقر و استثمار سرمایه

شکنجه و اعدام و سنگسار کرد اما  
نتوانست جامعه را به سکون و  
سکوت بکشاند. حتی تهدیدات  
نظامی آمریکا و تقلاهای نیروهای  
ملی اسلامی و اپوزیسیون راست  
برای عمده کردن شعار "نه به جنگ" و  
به عقب راندن مبارزات مردم علیه  
حکومت اسلامی تحت لوای خطر  
جنگ، به جایی نرسید. شاخص  
تحولات سیاسی در سالی که گذشت  
نه جنگ و صلح و مناسبات  
حکومت اسلامی با دول غربی، بلکه  
فراپاد حکومت اسلامی نمیخواهیم،  
به شکست کشیده شدن طرح امنیت  
اجتماعی جانپان حاکم به قدرت  
میلیونها زن "بد حجاب" و اوجگیری  
اعتراض در دانشگاهها و در  
خیابانها علیه آپارتاید جنسی است.

### مردم آزاده!

حکومت اسلامی در یک بحران  
لاعلاج اقتصادی و اجتماعی و  
سیاسی دست و پا میزند. توحش این  
حکومت ناشی از بن بست و  
استیصال و هراس از او گسترش و  
قدرتگیری جنبش آزادیخواهانه و  
برابری طلبانه ای است که هر روز چپ  
تر و رادیکال تر میشود و بیشتر و  
عمیقتر به نقد و اعتراض انسانی و

### سال نو را به مردم آزاده ایران تبریک میگویم!

در سالی که گذشت حکومت  
اسلامی تعرض تازه ای را به  
اعتراضات برابری طلبانه و  
آزادیخواهانه مردم آغاز کرد و در  
توحش و شقاوت رکوردهای تازه ای  
بجا گذاشت. اما سال گذشته سال  
جمهوری اسلامی نبود، سال ما  
مردم بود. سال جوانان و کارگران و  
زنانی بود که با مبارزات و  
اعتصابات خود بیش از پیش  
حکومت اسلامی را به مصاف  
طلبیدن و زمین را زیر پای جانپان  
حاکم داغ کردند.

سال ۸۶ سال خیزش آریاشهر و  
سال "آزادی، برابری، هویت انسانی" و  
سال "نه به آپارتاید جنسی" بود.  
سالی که جنبش علیه اعدام و مبارزه  
برای آزادی زندانیان سیاسی با  
پیشگامی و ابتکار خود زندانیان و  
محکومین به اعدام، گامهای بلندی  
به پیش برداشت، و سالی که شاهد  
اعلام همستگی کارگران جهان در  
بیش از ۴۹ کشور دنیا با جنبش  
کارگری و کارگران زندانی در ایران  
بود.

حکومت اسلامی در عکس  
العمل به این مبارزات زد و بست و

### از صفحه ۴ در حاشیه رویدادها...

تواند قدرت سیاسی را بدست بگیرد  
نیست. در متن این بی افقی چپ  
است که بخش قابل توجه ای از مردم  
منزجر از حکومت ژنرالهای طرفدار  
قانون اساسی، در مقابل راه حل  
اسلامی ها سکوت می کنند و این  
احزاب اسلامی اند که مدتهای مدید  
سر از صندوقهای رای در می آورند.  
چپ در ترکیه باید به آنجا برسد که  
حزب کمونیست کارگری در آن  
موقعیت قرار داد. نقد همه جانبه  
مناسبات سرمایه داری و نقد  
عمیق مذهب. انسان آزاد و رها از  
قید و بند جامعه غیر انسانی  
سرمایه داری مذهب را نیز بعنوان  
تاریخ پیشا تمدن بشری پشت سر  
می گذارد. کلید حل معضل  
ترکیه برای خلاصی از دست  
اسلامی ها و ژنرالها در دست  
طبقه کارگر، مردم آزادیخواه و  
سوسیالیست ها است. \*

دست راستی از اروپا تا آمریکای  
شمالی در تلطیف و رام کردن مذهب  
و به خدمت در آوردن آن یا اهداف  
سیاسی ضد انسانی خود ذینفع  
اند.  
سکولاریسم را فقط چپ ترکیه می  
تواند رهبری کند. این چپ اما اکنون  
فاقد مشخصات لازم است. اولاً نقد  
عمیقی به مذهب ندارد. در ثانی  
فقط در قامت اپوزیسیون ظاهر می  
شود. نمی خواهد بعنوان ناجی  
جامعه پا به میدان بگذارد. ۸  
مارسهای باشکوه در ترکیه و جشن  
های اول ماه مه که اساساً توسط  
اتحادیه های کارگری و احزاب و  
سازمانهای چپ سازماندهی می  
شود و راهپیمائی عظیم زنان و  
مردان مخالف اسلام که همین چند  
ماه پیش صورت گرفت موجب  
تعرض همه جانبه این چپ نمی شود  
و این نیروی عظیم مردم پشستوانه ای  
برای اعلام اینکه چپ در ترکیه می

فعالین همان جنبش با تغییر اسم  
حزب منحل شده مجددا در صحنه  
سیاسی حضور بهم می رسانند. جارو  
کردن اسلامی ها از حیات سیاسی  
جامعه راه حل اقتصادی و سیاسی  
می خواهد. راه حلی که در حلقه  
نخست وضعیت معیشت اسفبار  
زندگی مردم را بطور چشمگیری  
بهبود بخشد و در نبرد فرهنگی نیز  
نماینده همه جانبه آزادیخواهی و  
سکولاریسم باشد. دفاع نیم بند از  
سکولاریسم راه بجائی نمی برد. و  
سکولاریسم در این دوره فقط می  
تواند توسط چپ و سوسیالیسم  
بصورت همه جانبه و انقلابی  
نماینده شود. همه احزاب و دول

ترکیه را فرا گرفته است معلوم می  
کند هیچ کدام از احزاب و دولتهای  
حاکم نمی توانند دردی از مردم  
درمان کنند.

طرفداران قانون اساسی که  
تاریخی از کودتا و سرکوب و شکنجه  
مخالفین سیاسی را یدک می کشند و  
زندگی مردم را با تحمیل فقر به  
تباهی کشانده اند نمی توانند نماینده  
سکولاریسم نیز باشند. با غیر  
قانونی کردن این حزب نمی شود  
معضل اسلامیزه شدن جامعه را حل  
کرد. همانطور که تجربه نشان داده  
است با انحلال هر حزب در ترکیه

هفتاد و یک نفر از فعالین این  
حزب شده است. اسلامی ها  
متقابلاً می گویند ما دمکراسی  
را رعایت کرده ایم، ما این بخش  
از قانون اساسی را با مراجعه به  
رای مردم تغییر داده ایم. در دفاع از  
دمکراسی این اسلامی ها هستند که  
برنده شدند. حتما مردمی که در  
گرسنگی بسر می برند و جنبش  
اسلامی در جریان انتخابات بین مردم  
برنج و هندوانه مجانی پخش کرد می  
دانست درصداً قابل توجه ای از رای  
مردم را کسب خواهد کرد. اما  
اعتصابات عظیم کارگری که جدیداً

**اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

از صفحه ۱ نمی گذاریم تاریخ را ....



# WE STILL NEED MARX TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org

کتاب در سطح جهان است و از همه مهمتر، سرنوشت طبقه کارگر برای خلاصی از شر سرمایه، به کاپیتال و مانیفست و کمونیسم مارکس گره خورده است.

این بار نه شیخ کمونیسم که هیبت و سنگینی قدمهای استوارش دارد زمین را زیر پای حاکمان سرمایه می لرزند. این کابوس و دغدغه دائمی حاکمان سرمایه داری، دارد رسمی و علنی جای خودش را در متن مبارزات جاری مردم باز میکند. عروج کمونیسم واقعی است! همین چندی پیش وزارت دفاع انگلیس طی بیانیه رسمی اعلام کرد، مارکسیسم بزرگترین خطر و تهدید برای امنیت انگلیس است! نبض تبلیغات ضد کمونیستی دولت سوئد هم با شرکای اروپاییش می زند!

هیچ دستگاه حکومتی به اندازه نظام سرمایه داری از امکان پذیري سوسیالیسم مطلع نیست. این خطر را باید در ابعاد همه جانبه پاسخ بگویند و روغنکاری اسلحه های زنگ زده جنگ سردی این بار تحت نام "مجمع تاریخ زنده" در سوئد برای پیشگیری این خطر است! "خطر" سوسیالیسم واقعی است!

ما کمونیستها اجازه نخواهیم داد، تاریخ مبارزات و تلاش میلیونها کارگر و انسان شریف را زنده به گور کنند. بریاکنندگان این نمایشگاه دقیقا به خاطر کتمان حقیقت و جعل تاریخ، خود را در همه این جنایات شریک می کنند.

این مجمع هم سرمایه داری را نجات نخواهد داد. طوفان در راه است!

عدالتخواهی طبقات کارکن است باید برچیده شود!

دو سال است دولت سوئد همراه با ارکستر جهانی سرمایه و اتکا به دستگاه عظیم تبلیغاتی شرکای غربی اش، از جیب مالیات دهندگان، کارگران و مردم، بودجه سرسام آور خرج میکنند تا ضربه جنایات و فجایع بیشمار سرمایه داری امروز را با صحنه گردانی های وقیح و تاریخ سازیهای جعلی "مجمع تاریخ زنده"، برای مردم قابل تحمل کند. تا سیستم سرمایه داری دولتی، دم و دستگاه ناسیونالیستی احزاب راست، عقب ماندگی و ارتجاع فرهنگی حاکمین شوروی سابق و شرکایشان را که حاصل شکست انقلاب کارگری اکتبر بود را به پای کمونیستها بنویسد.

این تلاش بدیعی نیست، سابقه و تاریخ خود را دارد، کهنه و زنگ زده است. امتحان پس داده است و بی خاصیتی اش بارها تجربه شده است! اما چاره ای نیست! باید از همین نمذ برای سرمایه، کلاهی دوخت! امروز این اسلحه، برای نجات سرمایه و تحمیل مردم دوباره باید روغنکاری شود. این بار خطر واقعا نزدیک است. همه جا شیخ آن خواب از چشم سرمایه ربوده است. مارکس در خیابانهاست! تصویرش روی تی شرت جوانهاست! ورد زبانهاست. آلترناتیو است. کماکان محبوب ترین چهره تاریخ بشر است. با گذشت ۱۲۵ سال، هنوز مظهر رفاه و حرمت و سعادت است. کتاب کاپیتال هنوز مهمترین سند مدون تاریخ بشر است. مانیفست کمونیست، پرخواننده ترین

مرگ و میر ناشی از محرومیت از بهداشت و درمان در ابعاد میلیونی، زن آزاری و اختناق و سرکوب سیاسی درهمه ابعاد جامعه در اغلب کشورهای سرمایه داری را، پشت این مضحکه مک کارتیستی پنهان کرد. این بخشی از يك شوی جهانی سرمایه داری عصر حاضر است. باید مردم را از "جنایات کمونیسم" ترسانند، تا بشود وضع جهنمی موجود سرمایه را تا آنجا که بشود حفظ کرد.

پایان کار دولت رفاه در سوئد دقیقا با پایان "خطر کمونیسم" و "کمونیسم مرد" همزمان است. تلاش میکنند، مردمی که با کار و تلاش تحسین برانگیزی جامعه کم دغدغه تری برپا کرده و رگه های رفاه و سعادت را تجربه کرده بودند را به عقب نشینی و دارند، دستاوردهای چندین و چند ساله شان را از چنگشان در بیاورند.

برای این نمایشگاه "تاریخ زنده" برای این مردم معنایی بجز اعلام جنگی صریحتر و علنی تر در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ندارد. باید جا را به کمونیستها تنگ کرد. حتی حضور احزاب به اصطلاح چپ در پارلمان هم زیر سوال است. باید کارگر سوئدی را از خطر و شیخ کمونیسم ترساند تا بیمه بیکاریش را مورد هجوم قرار داد. تا تشکلهای بی رمق و نیمه جانی مانند اتحادیه های کارگریش را هم به تسلیم کشاند. همه اینها یعنی رفاه و امنیت، حرمت و کرامت انسانها و ارج و قرب کارگر که شاخصهایی از سنت چپ و کمونیسم و

است. تمامی این ابلیس سازی، این سناریوی نخ نما، تکراری و ملال آور، ریشه در واقعیتی عظیم تر و به مراتب تاریخی تر، زنده تر و درعین حال خطرناکتر دارد!

واقعیت این است که بوق و کرنای کمونیسم مرد دهه نود و جهان تک قطبی و نظم نوینی سرمایه داری عصر حاضر، بشریت را نتوانست و نمیتواند فریب بدهد. سیستم سرمایه داری حتی از نوع کم بحران ترین هایش در اروپای شمالی، هیچ افقی از آینده ای روشن و وعده ای قابل محاسبه نمی تواند در مقابل مردمی بگیرد که عظیم ترین ماشین تکنولوژی تاریخ بشر را به حرکت در می آورند. علیرغم پیشرفتهای عظیم علمی و تکنیکی، گشایش چندانی برای رفاه و سعادتشان دیده نمی شود. همه دولتهای سرمایه دار با وعده نان و کار و مسکن و رفاه بیشتر باید سرکار بیایند و در همان اول، دستاوردهایی که محصول مبارزه میلیونها انسان بوده اند را زیر پا بگذارند. کاهش رفاه و امکانات موجود، ترجیح بند و ماحصل کار تمامی دولتهای اروپایی است.

باید جنایات بیشمار سرمایه داری عصر حاضر و همه تاریخ سیاه و خونینش را در پشت تصاویر بزرگی از اردوهای کار اجباری، زندانهای مخوف استالینی و جنایات خمرهای سرخ و ... که هیچ کدام کوچکترین ربطی به کمونیسم ندارد، که همه شان جنایات سران سرمایه داری دولتی در این کشورها بوده اند، پنهان کرد. باید تمامی صحنه های فجیع تحمیل مشقت و حرمان بی پایان به بشریت امروز را از گرسنگی و آوارگی و بیکاری تا جنگ و تباهی، و کشتارهای میلیونی تا رشد تروریسم دولتی و گسترش جنایات اسلام سیاسی، استثمار و کارمزدی، به صلابه کشیدن میلیونها کودک در بازار بیرحم سود و سرمایه، تا تبعیض و نابرابری، نا امنی اقتصادی و سیاسی، رشد عنان گسیخته تبعیض نژادی، اعتیاد و فحشا غیر قابل باور و بی مسکنی و

تا بار دیگر روشهای متداول تاریخ نگاری مک کارتیستی را به نام دفاع از حقیقت و اطلاع رسانی بازسازی کنند.

تمام هنر بورژوازی و فرهنگ معاصر جنگ سردی در این نمایشگاه به خدمت گرفته شده است. دهها موسسه و نهاد از کشورهای اروپای شرقی و دهها دانشگاه و موسسه تحقیقی اروپایی در این پروژه سهیم هستند.

پیام صریح این نمایشگاه این است: کمونیسم بعنوان خطری جدی و بالفعل که میتواند با ارائه افکار برابری طلبانه، جوانان بی اطلاع را بفریب این مهمترین خطر قرن حاضر است که باید برای آن چاره اندیشی شود.

دولت سوئد با تدارک و صرف بودجه ای هنگفت تلاش دارد جنگ با کمونیسم را با شلیک این نمایشگاه در جبهه سراسری تری پیش ببرد. دانشگاه، موسسات عالی آموزشی و مدارس و کلیه نهادهای آموزشی هدف اولیه این پروژه اند. آموزگاران در تمامی سطوح از دبستان تا دانشگاه بایستی از نتیجه این پروژه تحقیقی بطور مستمر استفاده کنند. وزیر فرهنگ سوئد بی صبرانه اعلام کرد که این نمایشگاه باید دائمی شود.

مجمع "تاریخ زنده" در این نمایشگاه که با یک سایت وسیع اینترنتی پشتیبانی می شود با جمع آوری تصاویر، مقالات، مستندات شفاهی و کتبی و ... مربوط به جنایات حاکمان شوروی سابق، خمرهای سرخ و انقلاب فرهنگی در چین، ترسیم می شود.

ظاهرا کمونیسم و تاریخ آن به گذشته تعلق دارد! گذشته ای که همسان فاشیسم و نازیسم هیتلری با کشتار و جنایت علیه بشریت، راهش را طی کرده است و اکنون باید برای اطلاع نسل امروز از گزند آن و برای ثبت در تاریخ از آن یاد کرد.

این اما فقط يك روی سکه سیاهی است که دولت سوئد و بورژوازی حاکم به آن متشبهت شده

سوسیالیسم بپا خیز!  
برای رفع تبعیض

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

## دستمزد کارگران تنها ۲۰ درصد افزایش یافت کارگران: با کمتر از یک میلیون تومان نمیتوان زندگی کرد

تعیین وثیقه های سنگین برای آنها، و برسمیت نشناختن حق اعتصاب و تشکل و قرارداد دسته جمعی و آزادی های سیاسی در جامعه هدفی جز تحمیل این شرایط نکتت بار به مردم ندارد. کارگران مجبورند دوش به دوش همه مردم آزادیخواه علیه کل این ستم و سرکوب دست به اعتراض بزنند و همزمان به مقابله با این دستمزدهای چند بار زیر خط فقر بروند.

حزب کمونیست کارگری تصمیم طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی آنها به ۲۰ درصد افزایش دستمزد را جنایت بزرگی در حق کارگران، کودکان آنها و کل اعضای خانواده های کارگری میدانند و همه کارگران و خانواده های آنها، اعم از شاغل و بیکار، معلمان و پرستاران، بازنشستگان و کلیه مزدبگیران و حقوق بگیران زحمتکش را به امضای این تومار و اعتراض به این تصمیم فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ مارس ۲۰۰۸، ۲۵ اسفند ۱۳۸۷

تعیین حداقل دستمزدها سیاست گذاری می کنید این است که آیا واقعا حاضرید با این حقوقهایی که به ما کارگران داده میشود، حتی یک ماه زندگی کنید؟ پس چرا ما کارگران باید این را قبول کنیم؟ پس چرا ما باید این را قبول کنیم که سهم ما از تولید اینهمه ثروت و نعمت در جامعه، فقر و فلاکت روز افزون باشد؟ ما خواهان حداقل دستمزد با احتساب تامین یک زندگی شرافتمندانه و مرفه برای یک خانواده چهار نفره از طریق دخالت و نظارت خود کارگران در کلیه سطوح مزد بگیران هستیم.

جمهوری اسلامی میدانند که برای تحمیل این شرایط به کارگران باید با تمام قوای سرکوبش در مقابل کارگران بایستد. شلاق زدن کارگران، سرکوب اعتصابات، دستگیری فعالین کارگری و پاپوش دوزی و

مروارید و پارس و مبین در عسلویه، شرکت ساختمان و نصب (ای، سی، سی) عسلویه، شرکت درریز (پالایشگاه فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه)، کارخانه پوشش لوله سلفجگان، تعدادی از کارگران شهر صنعتی تبریز، و همچنین تعدادی از معلمین، کارگران خباز، راننده، بازنشسته، جوشکار، مکانیک و کارگران ساختمانی و... از شهرهای تهران و سندانج و میروان تاکنون این تومار را امضا کرده اند.

در این تومار که خطاب به شورایی عالی کار و کمیته دستمزدها نوشته شده، آمده است: "خودتان در این مملکت زندگی میکنید و میدانید که حتی با یک میلیون تومان هم نمیتوان آنچنانکه شایسته شان انسان است در این جامعه زندگی کرد. حال سوال ما از همه شما کسانی که در کلیه سطوح دولتی در

شکسته است، به این رقم رضایت نخواهند داد و به این تصمیم و به سران حکومت و سرمایه داران مفتخور لعن و نفرین خواهند فرستاد.

تومار بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران مراکز مختلف و معلمان و بازنشستگان چندین شهر که همزمان با تصمیم شورای عالی کار در سایت اتحادیه سراسری کارگران بیکار و اخراجی [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net) منتشر شد، بیانگر اعتراض میلیونها کارگر و مزدبگیر به دولت و کارفرماها است. ۱۵۰۰ کارگر از اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، از میان کارگران شرکت توان توسعه (توسعه سیلوا) در عسلویه، شاهر در سندانج، کشت و صنعت مهاباد، پتروشیمی پلی اتیلن کرمانشاه، نساجی بابکان، شرکت واحد تهران، پتروشیمی مهر و

کارفرماها و دولت تنها ۲۰ درصد به دستمزد کارگران اضافه کردند و همه نمایندگان آنها در کمیته دستمزد، شامل سه نماینده از کارفرماها، سه نفر از دولت و سه نفر از شوراهای اسلامی، یعنی یکی از ارگانهای دولتی برای سرکوب کارگران، به اتفاق آرا این تصمیم را اعلام کردند. با افزایش ۲۰ درصد به دستمزدها، دستمزد پایه کارگران از ۱۸۳۰۰۰ به ۲۱۹۶۰۰ تومان رسید. این در حالی است که طبق آمار خود آنها خط فقر ۶۰۰ هزار تومان است. افزایش ۲۰ درصد دستمزد با توجه به تورم سرسام آور به معنی کاهش قدرت خرید کارگران در سال آینده و به معنی فقر و محرومیت بیشتر اکثریت مردم است. این یک تصمیم جنایتکارانه در حق کارگران است و کارگران و خانواده های کارگران که کمرشان زیر فقر و محرومیت

## اعتراض کارگران شرکت کیان تایر به عدم پرداخت دستمزدها کارگران خواهان انحلال شوراهای اسلامی شدند

خواهان انحلال این نهاد دولتی شده اند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران کیان تایر قویا حمایت میکند و از همه مردم، بخصوص کارگران جاده تهران و سواه و اسلامشهر می خواهد که هیچگونه حمایت و کمکی را از کارگران کیان تایر دریغ نکنند. حزب کارگران شرکت کیان تایر را به برگزاری هرروزه مجمع عمومی و تصمیم گیری و اقدام جمعی فرا میخواند. حزب کارگران اعتصابی را فرامیخواند که اخبار اعتراضات خود را سریعاً به اطلاع جامعه و بطور مشخص کانال جدید برسانند و مردم را از اخبار مبارزات خود مطلع سازند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ مارس ۲۰۰۸، ۲۸ اسفند ۱۳۸۷

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، کارگران کیان تایر که تعدادشان بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر است، دیروز و امروز ۲۷ و ۲۸ اسفندماه، در اعتراض به تعویق ۴ ماه دستمزدهای خود، برای چندمین بار طی دو ماه اخیر در حیاط کارخانه دست به اعتراض زده و تجمع کردند. بر اساس این گزارش مدیریت قول داده بود که دستمزدهای کارگران را تا ۶ اسفندماه پرداخت کند، اما با همدستی شورای اسلامی، کارگران را سردوانده و سرانجام امروز پس از دو روز اعتصاب و اعتراض کارگران، فقط ۱۰۰ هزار تومان به کارگران پرداخت کرد.

بنا به همین خبر کارگران در انبار را قفل کرده اند و با قرار دادن لیفت تریک و پالت در مقابل آن، مانع خروج محصولات به بیرون شده اند. کارگران میگویند شورای اسلامی با کارفرما تیبانی کرده و رسماً علیه کارگران به توطئه مشغول است و

## اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز مختلف ادامه دارد

بیکار هستند، پیمانکار را مسئول تأخیر در پرداخت حقوق و مطالبات خود دانسته اند. کارگران اعلام کرده اند در صورتی که حقوق معوقه شان تا ۲۸ اسفندماه پرداخت نشود به اعتصاب و تجمع اعتراضی دست خواهند زد.

### اعتراض کارگران اخراجی کارخانه آرد آزادی سقز

کارفرمای این کارخانه ۳۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و کارگران اخراجی که هر کدام بیش از ۲۷ سال سابقه کار دارند، در محل کارخانه تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار خود شدند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ مارس ۲۰۰۸، ۲۷ اسفند ۱۳۸۷

کارخانه داران در واکنش به اعتراضات کارگران، کارخانه ها را تعطیل کرده اند.

### تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده در مقابل فرمانداری پاکدشت

طبق گزارشات منتشر شده کارگران بیکار پاکدشت در اعتراض به عدم دریافت ۲ ماه حق بیمه بیکاری خود صبح روز ۲۷ اسفند در مقابل فرمانداری و بانک رفاه کارگران این شهرستان تجمع کردند. کارگران به دلیل تعلل نهادهای دولتی در پرداخت حق بیمه بیکاری دست به تجمع زده و خواستار دریافت حقوق خود شدند.

### تهدید کارگران سد آزاد سندانج به اعتصاب

دستمزد ۵۰۰ تن از کارگران قراردادی شاغل در سد آزاد سندانج پرداخت نشده است و کارگران که زیر نظر یک شرکت پیمانکاری مشغول

### کارگران ۵ کارخانه در استان قزوین در مقابل ادارات دولتی تجمع کردند

روز ۲۶ اسفند کارگران شاغل در بیش از ۵ واحد بزرگ تولیدی و صنعتی استان قزوین در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه حقوق و مطالبات معوقه خود دست از کار کشید و در مقابل استانداری این استان تجمع کردند. طبق گزارشات منتشر شده، صدها کارگر کارخانجات پلی اورتان، پارس و آشر، پوشینه بافت، قوه پارس و نازنخ در اعتراض به عدم دریافت ۲ تا ۱۰ ماه حقوق خود، طی ۸ روز گذشته تاکنون بارها در مقابل نهادهای و ادارات دولتی دست به اعتصاب و تجمع زده اند. در ادامه این خبر آمده است که تاکنون هیچ یک از مقامات مسئول استان قزوین به اعتراضات کارگران توجه نکرده اند و برخی از

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم  
و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!



## کمپین جمع آوری کمک مالی فوریه - مارس با موفقیت پایان یافت!

با احتساب لیست زیر مجموع کمک جمع آوری شده در کمپین مالی ۱۰ فوریه تا ۲۰ مارس که با هدف ۱۰۰ هزار یورو اعلام شده بود، به ۱۰۰۷۰۰ یورو بالغ میشود. بدین ترتیب به همت مردم آزادیخواه و برابری طلب، دوستداران و اعضا و کادرهای حزب این کمپین با موفقیت به پایان میرسد. باردیگر دست تک تک شما یاری دهندگان به حزب خودتان را به گرمی میفشاریم. حزب کمونیست کارگری با اتکاء به کمک های شما مردم آزاده میتواند به فعالیت گسترده خود ادامه دهد و آتراً وسعت بخشد. با اتکاء به همین کمک هاست که ما توانسته ایم در هشت ماه گذشته مخارج سنگین تلویزیون کانال جدید در هاتبرد را تامین کنیم و در آینده نیز تنها با حمایت شما قادر به تامین ادامه کاری آن خواهیم بود.

کمپین جمع آوری کمک مالی فوریه - مارس، علاوه بر اهمیت مالی آن، حائز اهمیت سیاسی نیز بود. جمع آوری صد هزار یورو توسط یک حزب سیاسی کمونیستی طی کمتر از ۶ هفته به سهم خود نشانه ای از قدرت و توان صف آزادیخواهی و برابری طلبی، صف سوسیالیسم در ایران است.

با آرزوی موفقیت های بیشتر در سال جدید و با شادباش صمیمانه سال نو به همه شما عزیزان، اینجا اسامی و مبالغ آخرین لیست کمک کنندگان به کمپین را ضمن تشکر از همه این عزیزان به اطلاع میرسانیم:

### آلمان:

فرزانه درخشان

۵۰۰ یورو

امیر توکلی

۲۰۰ یورو

جمشید هادیان

۱۰۰ یورو

عبدل گلپریان

۵۰ یورو

ایرج عبدالهی

۵۰۰ دلار

جلال گلپریان

۳۰ یورو

سارا و جورج

۱۰۰۰ دلار

### سوئد:

امید

۱۲۰۰ کرون

دانمارک:

۵۰۰ کرون

آرش امیرزاده

۵۰ دلار

امین

۵۰۰ کرون

تشکیلات شرق کانادا

۳۰۰ دلار

عطا

۵۰۰ کرون

حبیب بکتاش

۱۰۰۰ دلار

سهیلا

۵۰۰ کرون

(جمعا ۲۰۰۰)

جمع آوری کمک توسط واحد حزب در گوتنبرگ

۶۰۰۰ کرون

(جمعا ۱۲۰۰۰)

۱۰۰۰ کرون

خلیل کیوان

### ایران:

بهمن بهروزی

۵۰ هزار تومان

انگلیسی:

هرمز احمدی

۲۰۰۰ پوند

کمک جمع آوری شده از طریق تشکیلات هلند

۵۲۰ یورو

سعید رها

۵۰ پوند

حزب کمونیست کارگری

### فنلاند:

عمر معروفی

۴۰۰ یورو

کانادا:

فعالین حزب در ویکتوریا

۲۵۰ دلار

۲۰ مارس ۲۰۰۸، ۱ فروردین ۱۳۸۷

## سرمایه داران و بانک جهانی پول، دستهایتان را از جیب های ما بیرون بکشید اعتصاب و راهپیمائی سراسری و چندمیلیونی کارگران ترکیه

- حقوق بازنشستگی ۳۳ درصد نسبت به دوره فعالیت کاهش می یابد،

- مرخصی دوره زایمان از سه ماه به یک ماه کاهش می یابد و مزایا و حقوق در این مدت حذف میشود،

- برای استفاده از حق

**سرمایه داران و آی ام اف (بانک جهانی پول) دستهایتان را از جیب های ما بیرون بکشید  
روزی خواهد رسید که طبقه حاکم و سرمایه داران را به محاکمه خواهیم کشاند  
تنها راه رهائی همبستگی همبستگی  
تا رسیدن به خواست های برحق خود از پای نخواهیم نشست**

برابری اینجا و آنجا دیده میشود. دولت موقتا درمقابل اعتراض قدرتمند کارگران عقب نشسته و

حاکم و سرمایه داران را به محاکمه خواهیم کشاند  
تنها راه رهائی همبستگی همبستگی

با مشت های گره کرده شعار دادند. شعارهای کارگران بسیار جالب بود:



بازنشستگی کارگران باید ۹۰۰۰ پیرم بدهند، و برای استفاده از خدمات درمانی ماهانه مبلغی پرداخت کنند در غیر اینصورت از خدمات درمانی محروم میشوند.

قانون جدید کار را معلق گذاشته است. در قانون کار جدید از جمله: - سن بازنشستگی از ۵۸ سال به ۶۵ سال افزایش می یابد،

و روی پلاکاردهای آنها از جمله این عبارات به چشم میخورد: تا رسیدن به خواست های برحق خود از پای نخواهیم نشست، پلاتفرم کار در مقابل قانون جدید کار خواهد ایستاد و مبارزه خواهد کرد، بدنبال اعتصاب، کارگران در بسیاری از شهرهای ترکیه همراه با اقشار زحمتکش دست به تحصن زدند و از جمله در شهرک توزلای در استانبول شعار آزادی برابری سر دادند. لازم به یادآوری است که در روز هشت مارس نیز شعار آزادی



سرمایه داران و آی ام اف (بانک جهانی پول) دستهایتان را از جیب های ما بیرون بکشید  
روزی خواهد رسید که طبقه

بنا بر گزارشی که از گزارشگر حزب به دست ما رسیده است، در روزهای ۱۳ و ۱۴ مارس (۲۳ و ۲۴ اسفند) کارگران ترکیه در سراسر کشور دست به اعتصاب و راهپیمائی زدند. چندین میلیون کارگر بخش های خصوصی و دولتی در اعتراض به قانون جدید کار که بسیاری از حقوق

کارگران را زیر سوال میبرد، در شهرهای استانبول، آنکارا و سایر شهرهای بزرگ و کوچک ترکیه اعتصاب کردند، به خیابانها آمدند و

## چهارشنبه سوری: نوعی قدرت دوگانه؟! جوانان آریاشهر: حکومت اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم!

**امید آزادی خبرنگار  
سازمان جوانان کمونیست  
گزارش جالبی از آریاشهر  
ارسال کرده که عینا می بینید:**

"سلام رفقا، جوانان دوباره گل کاشتند. امشب (۲۸/۱۲/۸۶) چهارشنبه سوری بود. رژیم در هراس از طغیان مردم به جان آمده، تمام تدابیر امنیتی و پلیسی را به کار برده بود تا مانع از تجمع مردم و به خصوص جوانان و ابراز شادی آنان شود چون به خوبی آگاه است که هر گونه تجمعی و به

ویژه تجمع جوانان، از کنترل خارج می شود و مردم از این وضعیت استفاده کرده، خواست واقعی شان را که سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی است، با شعارهای رادیکال سرمی دهند. بنابراین تمام نیروهای سرکوبگرش را به میدان فرستاده بود. هم چنین به دکان داران، صاحبان مغازه ها و پاساژها و کلیه اماکنی که مایحتاج مردم را در اختیار آنان قرار می دهند دستور داده بود که تا ساعت ۴ بعد از ظهر بیشتر حق کار کردن ندارند و باید تعطیل کرده و محل کار خود را ترک کنند. رژیم این کار را انجام داده بود تا تعداد کمتری از مردم که در آخر سال برای خرید به خیابان می آیند در سطح شهر حضور داشته باشند. البته خود این موضوع باعث نارضایتی بیشتر مردم و اعتراضات و درگیری های گاه به گاه آنان با ارادل نیروی انتظامی می شد.

از طرف دیگر جوانان نیز به استقبال این روز شتافتند و از چند روز قبل هر از گاهی صدای ترقه و فشفتشه به گوش می رسید که هر چه به امروز نزدیک تر می شدیم بر تعداد آن افزوده می شد. مردم از بعد از ظهر امروز در کوچه ها و معابر عمومی، کپه های آتش را بر پا کردند و دختر و پسر، پیر و جوان و کودک، دست در دست هم از روی آن می پریدند. و از هر گوشه صدای فشفتشه و ترقه و بمب های صوتی به گوش می رسید.

من امشب در ساعت ۷ به آریا شهر رفتم تا از آن جا گزارشی تهیه کنم. در بین راه و در میادین اصلی شهر حضور نیروی انتظامی و پلیس ضد شورش محسوس بود. در

یکی از محلات جوانان با مزدوران رژیم درگیر شده و آنها را فراری داده اند. رقص دختران و پسران به گرمی جریان دارد و تعداد جمعیت به نسبت هر سال بی سابقه است.

**گزارش دیگری از تهران میگوید:** به تمام فروشگاه ها و پاساژها و میادین و دستفروشها و غیره گفته اند از ساعت ۴ به بعد اجباری بسته شوند. سر تمام محلات حالت حکومت نظامی است. کنترل شدید است. برای جلوگیری از برپایی

اخبار دریافتی از تهران و برخی شهرستانها حاکی از آن است که در چهارشنبه سوری امسال شرکت مردم و بخصوص دختران و پسران در این جشن فوق العاده چشمگیر بوده است. در عمل مردم و جوانان توانسته اند در محلات قدرت خود را برقرار کنند و اوباش رژیم یا ترجیح داده اند از ورود به محلات پرهیز کنند و یا مردم با هو کردن آنها و گاه درگیری های پراکنده اجازه مزاحمت به آنها نداده اند. امشب در خیابانهای اصلی



چهارشنبه سوری، میدان انقلاب، میدان آریا شهر، میدان ولیعصر، میدان امام حسین، میدان آزادی که هر سال مراسم چهارشنبه سوری بود، اما در همه این میادین رژیم اوضاع را تحت کنترل گرفته بود. همه این وضعیت بوده. قرار گذاشتند که بعد از ساعت هشت کسی در خیابانها نماند. هر کس بعد از این ساعت بماند دستگیر میکنند و تا فردا آزاد نمیکنند. مردمی که میخواستند برای نوروز خرید کنند و مغازه داران بسیار معترض بودند. جوانان با هو کشیدن و گاه با پرت کردن سنگ اعتراض خود را نشان میدادند. اما در محلات بساط ترقه زدن و سرو صدا به پا ست. بساط آتش بازی و رقص پایکوبی در محلات هست.

**گزارشی از کرج حاکی است** که شادی و سرور در محلات و پشت بام ها برقرار است. ولی میادین تحت کنترل نیروی انتظامی است.

نوعی حکومت نظامی برقرار بود ولی در محلات قدرت عملا در دست مردم بوده است.

**گزارشی از تهران حاکی است:** ماموران رژیم خیابانهای اصلی را بسته اند. اما اکثر جوانان و مردم خیابانهای فرعی را قرق کرده اند و وسط خیابان آتش خیلی بلند روشن کرده اند. پلیس های موتور سوار و گشت ها را هو میکنند. بعضی جاها همه پسر و دخترها با هم وسط خیابان میرقصند. خیابان اصلی را در تمام مناطق با ماشین های آب پاش مرتبا آب پاشی میکنند. پلیس از درگیری پرهیز میکند چون جوانان کاملا آماده مقابله هستند. ترقه های خطرناک هم در اختیارشان هست. کلا خیلی جالب است. و بساط شادی و عیش و نوش برپاست. البته نه توی خیابان اصلی. کلا پلیس درگیر نمیشود. فقط گروهی با موتور گشت میزنند.

**گزارشی از ساری حاکی است:** در

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)  
سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

**آدرس تماس با حزب:**  
Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046-8 6489716  
Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

### مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

ما را. مرگ بر خامنه ای. و چند شعار دیگر از جمله: مامور بیا این جا. جوانان این جمله را به این خاطر می گفتند که تعدادی از مزدوران نیروی انتظامی به فاصله ۱۵۰ - ۱۰۰ متری ایستاده بودند و جرات نزدیک شدن به جوانان را نداشتند چون با سنگ و پاره آجر از آنان پذیرایی می شد. ولی وقتی تعداد پلیس های ضد شورش زیاد می شد و پلیس های موتور سوار هم به آنان می پیوستند، از چند طرف به سوی جوانان پورش می آوردند و جوانان هم پس از پرتاب سنگ به طرف آن ها، آن محل را ترک کرده و تجمع شان را در کوچه و یا خیابان فرعی دیگری بر پا می کردند. این جنگ و گریز چندین ساعت ادامه داشت.

هنگامی که من در ساعت ۱۰/۴۵ محل را ترک کردم اوضاع هنوز متشنج بود و نیروهای انتظامی برای متفرق کردن مردم، از این سو به آن سو روان می شدند. مرگ بر حکومت جنایتکار اسلامی، زنده باد آزادی و برابری، زنده باد انقلاب، برقرار باد جمهوری سوسیالیستی ضمن تشکر از امید عزیز، سازمان جوانان کمونیست دست همه دختران و پسرانی را که امشب جمهوری اسلامی و آپارتاید جنسی اش را به عقب راندند به گرمی میفشارد. جمهوری اسلامی باید برود، باید آزادی و برابری و شادی و رفاه و جمهوری سوسیالیستی را برقرار کرد. این خواست جوانان ایران است.

سازمان جوانان کمونیست

۲۸ اسفند ۸۵، ۱۸ مارس ۲۰۰۸

خیابان ستارخان و نرسیده به فلکه اول صادقیه شاهد هجوم گله ای ۲۰ تا ۲۵ نفره از نیروهای انتظامی بودم که از ماشین و موتورشان پیاده شده و با لگد و باتوم به یک تعمیر گاه که دکانش را نبسته بود حمله کردند و با فشار و درگیری، کرکره مغازه اش را پایین کشیدند. همچنین در خیابان ستارخان نیز در چند جا، باقیمانده آتش هایی را دیدم که جوانان در وسط خیابان روشن کرده بودند و نیروی انتظامی با استفاده از تانکهای آب شهرداری آن ها را خاموش کرده بود.

هر چه از میدان توحید به طرف خیابان ستارخان و آریاشهر می آمدم بر تعداد نیروهای انتظامی، پلیس ضد شورش و پلیس های موتور سوار بیشتر می شد. به طوری که در میدان آریاشهر حدود ۱۰ ون و ماشین نیروی انتظامی پارک شده بود که همگی پراز پلیس های ضد شورش بودند. البته این به غیر از پلیس های موتور سوار و همچنین پلیس هایی بود که در پیاده رو بودند و از ایستادن در محل جلوگیری می کردند. در واقع پلیس سعی داشت میدان آریاشهر و خیابان ستارخان را تحت کنترل خود درآورده، از تجمع جوانان جلوگیری کند. ولی جوانان از این فرصت استفاده کرده و تجمعات شان را خیابان های رحیمی، بهاران، بلوار شهدا و دیگر خیابان های فرعی و کوچه های اطراف برگزار می کردند. و هر جایی هم که تجمع می شد با برافروختن کپه های بزرگ آتش، خیابان را مسدود کرده شروع به دادن شعار علیه رژیم می کردند.

تعدادی از شعارها این ها بودند: حکومت اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم. از ۵۷ تا حالا علاف کردی